

فصلنامه مطالعات حسابداری
شماره ۲۸ - زمستان ۱۳۸۹
صص ۱۰۷-۱۳۳

تأخیر اعلان سود و مدیریت سود

علی رضا مهرآذین*
ابوالقاسم مسیح آبادی**
ستاره میرشکاری***

چکیده

در این تحقیق تأثیر متغیر "اخبار بد" بر متغیرهای "سود عملیاتی" و "مدیریت سود" مورد بررسی قرار گرفته است. در این راستا تحقیق حاضر به آزمون دو فرضیه زیر پرداخته است:

فرضیه اول: شرکت‌هایی که سود خود را با تأخیر اعلان می‌کنند، دارای اخبار بد مربوط به سود عملیاتی می‌باشند.

فرضیه دوم: شرکت‌هایی که با تأخیر اعلان سود داشته‌اند، به مدیریت سود در جهت افزایش سود اقدام می‌نمایند.

* عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد نیشابور - نویسنده مسئول Email: mehrazeen@yahoo.com

** عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد نیشابور

*** کارشناس ارشد حسابداری

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۸/۸

برای آزمون فرضیه‌های یاد شده نمونه‌ای متشکل از ۹۳ شرکت که مربوط به ۸ صنعت می‌باشد، انتخاب گردید. این نمونه از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار انتخاب شده و در بازه زمانی ۷ ساله (۱۳۷۹ تا ۱۳۸۶) مورد آزمون، قرار گرفت.

برای آزمون فرضیه اول تأخیر در اعلان سود و تغییرات سود در سال‌های مختلف بررسی شد، شرکت‌هایی که در چارک اول قرار گرفتند به عنوان شرکت‌هایی که سود خود را به موقع اعلان می‌کنند تعیین شدند و شرکت‌هایی که در چارک سوم قرار گرفتند به عنوان شرکت‌هایی که سود خود را با تأخیر اعلان می‌کنند تعیین شدند که با استفاده از روش‌های آماری و برازش خط رگرسیون سود خالص و مدت زمان تأخیر در اعلان سود، با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت: "شرکت‌هایی که سود خود را با تأخیر اعلان می‌کنند، دارای اخبار بد مرتبط با سود می‌باشند."

برای آزمون فرضیه دوم با بررسی تأخیر در اعلان سود و اقلام تعهدی اختیاری در سال‌های مختلف می‌توان تصمیم‌گیری نمود. برای اندازه‌گیری مدیریت سود از مدل تعدیل شده جونز استفاده گردید؛ که با استفاده از روش‌های آماری و برازش خط رگرسیون اقلام تعهدی اختیاری و مدت زمان تأخیر در اعلان سود، با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت: "شرکت‌هایی که با تأخیر اعلان سود داشته‌اند، به مدیریت سود در جهت افزایش سود اقدام می‌نمایند."

واژه‌های کلیدی: سود عملیاتی، مدیریت سود، اقلام تعهدی، اقلام تعهدی اختیاری، اقلام تعهدی غیراختیاری.

مقدمه

تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که شرکت‌ها اخبار خوب را به موقع و زودتر گزارش می‌کنند و اخبار بد با تأخیر در بازار منعکس می‌شوند. دلایل و توجیهاتی برای ارائه گزارش‌ها با تأخیر بیان شده‌اند. مثلاً مدیران برای اجرای طرح فروش سهام شرکت، یا مذاکره برای انعقاد قراردادها در بهترین شرایط ممکن بکوشند؛ قبل از آن که اخبار بد و غیرمنتظره افشا شود. کشف انگیزه‌های گزارش هرچه سریع‌تر

اخبار خوب اهمیت زیادی دارد. با توجه به بی میلی مدیریت به انتشار زودتر اخبار بد این فرضیه مطرح می شود که کسانی که اخبار بد را دیرتر منتشر می کنند، در قبال انتشار این اخبار برای خود فرجه زمانی ایجاد می نمایند در این فرجه زمانی احتمال کاهش بار منفی اخبار بد و نیز افزایش آستانه پذیرش مخاطبان از طریق دریافت اطلاعات مشابه از سایر شرکت ها وجود دارد.

هنگامی که شرکت ها در وضعیت نامطلوب اقتصادی تحت فشار فزاینده قرار می گیرند، مدیران آن ها تمایل می یابند که، سطر آخر صورت سود و زیان (یعنی سود) را بهبود بخشند و بدین وسیله محتوای اطلاعاتی آن را تغییر دهند. مدیریت سود از جمله روش هایی است که برای مطلوب نشان دادن وضعیت شرکت به کار می رود (نوروش و همکاران، ۱۳۸۴).

این حقیقت که اطلاعات حسابداری در معرض دستکاری مدیران قرار دارد دستاویز نظریه پردازان بنیادگرای حسابداری است که خواهان ایجاد تغییرات اساسی در ساختار مرسوم حسابداری به ویژه در جهت جایگزینی سود حسابداری با بدیل غیر تعهدی آن یعنی معیارهای مبتنی بر جریان های نقدی عملیاتی می باشند. اما نتایج تحقیقات رأی به برتری محتوای اطلاعاتی سود حسابداری و معیارهای عملیاتی تر آن یعنی عایدات نسبت به معیارهای رقیب خود می دهند (دی چاو، ۱۹۹۵).

به هر حال، ممکن است مدیریت سود را دستکاری نماید؛ که این امر به باور برخی باعث خدشه دار شدن اعتبار آن می گردد. این در صورتی است که اعمال نظر مدیریت ناشی از انگیزه های فرصت طلبی وی در جهت برآوردن منافع شخصی خود باشد که به آن دستکاری فرصت طلبانه می گویند. از سوی دیگر اعمال نظر مدیریت ممکن است دلیل دیگری داشته باشد. دسترسی مدیران به اطلاعات محرمانه مربوط به شرکت و اشراف نسبت به تحولات آتی باعث می شود تا آنان با اعمال نظر در گزینش رویه های حسابداری به شکل تلویحی در صدد انتقال اطلاعات شخصی خود به سایر استفاده کنندگان گزارش های حسابداری برآیند. این امر باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیریت و سهامداران و سایر ذینفعان می گردد و افزایش

ارزش سود نسبت به سایر معیارهای ارزیابی عملکرد شرکت همچون جریان‌های نقدی عملیاتی، از نظر مربوط بودن را به‌دنبال دارد. نقش حساب‌برسان در اعتباربخشی به گزارش‌های مالی باعث محدود شدن دامنه اعمال نظرات فرصت‌طلبانه مدیریت شده‌است (مهرآذین، ۱۳۸۷).

مفهوم مدیریت سود

مفهوم مدیریت سود از زوایای مختلفی مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته است و هریک تعاریف مختلفی ارائه نموده‌اند. برخی از این تعاریف عبارتند از: اسکیر^۱ (۱۹۸۹) مدیریت سود را این‌چنین بیان نموده است: "دخال عمودی در فرآیند گزارشگری برون سازمانی با هدف بدست آوردن برخی مزایای شخصی از سوی مدیران یا سهامداران." وی بلافاصله می‌افزاید: "تعریف جامع‌تر مدیریت سود باید در برگیرنده‌ی مدیریت سود واقعی ایجاد شده از راه تصمیمات زمان‌بندی سرمایه‌گذاری یا تصمیمات تأمین مالی برای تغییر سود گزارش شده یا برخی از اجزای آن نیز باشد."

دی جورج^۲ و همکاران (۱۹۹۳) مدیریت سود را به‌عنوان دستکاری مصنوعی سود توسط مدیریت جهت حصول به سطح مورد انتظار سود برای بعضی تصمیمات خاص (از جمله پیش‌بینی تحلیلگران و یا برآورد روند سودهای قبلی برای پیش‌بینی سودهای آتی) تعریف می‌کنند. به‌نظر ایشان انگیزه‌ی اصلی مدیریت سود، مدیریت تصور سرمایه‌گذاران است.

فرن^۳ و همکاران (۱۹۹۴) دستکاری سود توسط مدیریت به منظور دستیابی به قسمتی از پیش‌داوری‌های مربوط به سود مورد انتظار (مانند پیش‌بینی‌های تحلیلگران، برآوردهای قبلی مدیریت و یا کاهش پراکندگی سود) را به‌عنوان مدیریت سود تعریف می‌کنند.

اسکات^۴ (۱۹۹۷) مدیریت سود را این‌گونه تعریف می‌کند: "مدیریت سود عبارت

1- Schipper
2- Degeorge
3- Fern
4- Scott

است از انتخاب خط‌مشی‌های (سیاست‌های) حسابداری از سوی یک شرکت به نحوی که برخی اهداف ویژه مدیریت برآورده گردد.^۱

"مدیریت سود وقتی صورت می‌گیرد که مدیران قضاوت خویش را در گزارشگری مالی و در نحوه ثبت و گزارش مبادلات به صورتی وارد نمایند و تغییری در محتوای گزارش‌های مالی صورت داده؛ یا برخی از سهامداران را نسبت به عملکرد اقتصادی شرکت گمراه نمایند؛ و یا بر معیارها و پیامدهای قراردادی که وابسته به ارقام حسابداری گزارش شده‌اند، تأثیر گذارند" (هیلی و واهلن^۱، ۱۹۹۹).

تحقیق روچاودیوری^۲ (۲۰۰۰) نشان داد که دایره مدیریت سود فراتر از دستکاری روش‌های گزارشگری است و حتی دستکاری فعالیت‌های واقعی (مثل افزایش سطح تولید و موجودی‌ها برای کاهش بهای تمام شده کالای فروش رفته) را نیز دربرمی‌گیرد (مهرآذین، ۱۳۸۷).

هرچند که این تعریف‌ها در سطح وسیع مورد پذیرش است، اما کاربرد عملیاتی این تعریف‌ها، کمی دشوار است، زیرا قصد و نیت مدیریت، شواهد عینی در اختیار نمی‌گذارد (شهری، ۱۳۸۷).

در ادبیات حسابداری ارائه‌ی تعریف روشن از مدیریت سود مشکل است، زیرا مرز میان مدیریت سود و تقلب‌های مالی مشخص نمی‌باشد. تقلب مالی حذف یا دستکاری عمدی داده‌های حسابداری است که در کنار سایر داده‌های موجود باعث تغییر قضاوت و یا تصمیم‌گیری استفاده‌کننده از داده‌ها خواهد شد. ممکن است مدیریت سود پیامدهایی همانند تقلب برای شرکت داشته باشد (نوروش و همکاران، ۱۳۸۴).

سود عملیاتی

از دیدگاه اطلاعاتی، سود نتیجه‌ی فعالیت‌های اقتصادی را بیان می‌کند. ولی به‌عنوان معیار اساسی اندازه‌گیری، هم‌چنان مورد تردید قرار دارد. بر مبنای مفروضات بازار کارای سرمایه، تحقیقات تجربی مؤید آن است که سود حسابداری داری محتوای اطلاعاتی می‌باشد (حقیقت و رایگان، ۱۳۸۷)

1- Healy, P.M & Wahlen
2- Roychowdury

سود عملیاتی به عنوان معیاری جهت ارزیابی عملکرد شرکت توسط دامنه وسیعی از استفاده کنندگان از جمله سرمایه گذاران یا اعتباردهندگان و در پذیره نویسی های عمومی شرکت ها مورد استفاده قرار می گیرد. دو اصل مهم حسابداری که ایجاد سود را جهت دهی می نماید عبارتند از اصل شناخت درآمد و اصل تطابق. با برخورداری از چنین اصولی، فرآیند ارقام تعهدی به کاهش مشکلات ناشی از زمان بندی و تطابق می پردازد تا بدین وسیله سود دقیق تر از گذشته عملکرد شرکت ها را منعکس نماید. این نگرش که ارقام تعهدی توانایی سود را در ارزیابی عملکرد شرکت بهبود می بخشد توسط^۱ FASB نیز مورد تأکید است. برای مثال بیانیه شماره ۱ مفاهیم حسابداری مالی امریکا، بند ۴۴ بیان می کند:

«اطلاعات مربوط به سود شرکت ها و جزئیات آن که از طریق حسابداری تعهدی ارائه می شود به طور کلی، عملکرد شرکت را بهتر نشان می دهد تا اطلاعاتی که راجع به دریافت ها و پرداخت های نقدی جاری در دست است.» (عابدی، ۱۳۸۶)

زمان اعلان سود

عدم تقارن زمانی سود به عنوان معیاری برای سنجش مدیریت سود در گزارشگری مالی مورد بررسی قرار گرفته است. واکنش سود نسبت به اخبار بد به هنگام تر از واکنش سود نسبت به اخبار خوب می باشد. از این رو، عدم تقارنی در واکنش به هنگام سود نسبت به اخبار خوب و بد به وجود می آید که به عنوان معیاری برای سنجش مدیریت سود مورد استفاده قرار می گیرد. زمان انتشار صورت های مالی تأثیرات مهمی بر تصمیمات استفاده کنندگان دارد. ترومن^۲ (۱۹۹۰) دو انگیزه را برای تعویق اخبار بد بیان می کند: اول زمان اضافی لازم برای از بین بردن اخبار بد با دستکاری ارقام تعهدی، دوم این که مدیران ممکن است آگاهانه گزارش اخبار بد را تا زمانی که اخبار بد سایر شرکت ها منتشر شود به تأخیر بیندازند تا بتوانند اعتبار بالقوه خود را حفظ کنند. (چای و همکاران، ۲۰۰۲)^۳

1- Financial Accounting Standard Board

2- Truman., 1990

3- Mary L . Chai & Samuel Tung., 2002

پیشینه‌ی تحقیق

بدری (۱۳۷۸) در تحقیقی تحت عنوان شناسایی عوامل مؤثر بر هموارسازی سود "به بررسی وجود هموارسازی سود در شرکت‌های موجود در بورس اوراق بهادار تهران و عوامل مؤثر بر آن همانند اندازه‌ی شرکت، نسبت سودآوری، نوع صنعت، نوع مالکیت و وجود مقررات مختلف قیمت‌گذاری محصول طی سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۵ پرداخت. یافته‌های این تحقیق نشانگر این است که شرکت‌های مورد بررسی بعضاً اقدام به هموارسازی سود کرده‌اند (حدوداً ۳۰ درصد). هم‌چنین نسبت سودآوری عامل مؤثری بر هموارسازی سود است. براین اساس شرکت‌های با سودآوری پایین گرایش بیش‌تری به هموارسازی سود دارند و بالعکس. هموارسازی سود بسته به نوع صنعت نیز متفاوت است به گونه‌ای که شرکت‌های موجود در صنایع ماشین‌آلات، وسایل نقلیه موتوری و حمل و نقل و تجهیزات برقی بیش‌ترین هموارسازی سود را داشته‌اند. عامل قیمت‌گذاری محصولات نیز عامل مؤثر بر هموارسازی سود است به گونه‌ای که شرکت‌هایی که مشمول قیمت‌گذاری دولتی نمی‌شوند بیش‌تر به هموارسازی سود تمایل دارند.

حاجی‌وند (۱۳۸۰) تحقیقی با عنوان انگیزه‌های مدیریت در هموارسازی سود گزارش شده انجام داد. هدف این پژوهش بررسی انگیزه‌های مدیران از هموارسازی و دستکاری سود گزارش شده و نیز بیان این مسأله بود که آیا هموارسازی و دستکاری سود در خدمت منافع مدیران است و یا در خدمت افزایش ثروت سهامداران. نمونه آماری این تحقیق شامل تمامی شرکت‌های تولیدکننده سیمان در فاصله سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۶ در ایران بود. پژوهشگر با استفاده از آزمون فرض نسبت‌ها، علامت کای دو و تجزیه و تحلیل واریانس به نتایج زیر دست یافت:

۱. به دلیل پراکندگی سهامداران، آن‌ها دخالت جدی در اداره امور شرکت ندارند و در نتیجه مدیریت به دنبال منافع خود است.
۲. هدف از دستکاری سود، منافع شخصی مدیریت است.
۳. مدیران شرکت‌های مورد تحقیق تصور درستی از معیارهای تعیین ارزش و عملکرد مطلوب شرکت ندارند.

۴. مدیریت در امر سرمایه‌گذاری به صورت خیلی ابتدایی عمل می‌کند.

۵. قرارداد سود فروش به عنوان معیار پرداخت پاداش به مدیران سبب هم‌سویی منافع آنان با سهامداران نمی‌شود.

۶. در صورتی که سود معیاری برای پرداخت پاداش به مدیران باشد، مدیریت از طریق روش‌های حسابداری و سایر تکنیک‌ها به دستکاری سود دست می‌زنند.

نوروش و همکاران (۱۳۸۴)، چگونگی مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۲ را با استفاده از پارامترهای اندازه‌شماره شرکت، نسبت بدهی به سرمایه در گردش و نرخ مؤثر مالیات، مورد بررسی قرار دادند. جامعه آماری پژوهش کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد که ۹۰ شرکت به صورت تصادفی انتخاب شده است. جهت تجزیه و تحلیل این سه متغیر، پارامترهای مربوط به مدیریت سود از صورت‌های مالی حسابرسی شده شرکت‌های نمونه برای بازه ۸ سال استخراج گردید. ۱۹۴۴۰ داده جهت بررسی وجود مدیریت سود مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و برای اثبات مدیریت سود از روش جونز استفاده شده است. نتایج تحقیق گواه این بود که مدیران شرکت‌های بزرگ از ارقام تعهدی برای کم‌تر کردن مالیات شرکت‌هایشان استفاده می‌نمایند و با بزرگ‌تر شدن شرکت‌ها، تمایل مدیران به مدیریت سود بیش‌تر خواهد شد.

مشایخی و همکاران (۱۳۸۴)، در مقاله‌ای تحت عنوان "نقش ارقام تعهدی اختیاری در مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" در سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۲ را مورد بررسی قرار دادند. در این تحقیق ارتباط بین ارقام تعهدی اختیاری و وجوه نقد حاصل از عملیات در ۹۵ شرکت عضو نمونه آماری تحقیق طی بازه‌ی زمانی فوق مورد بررسی قرار گرفت، که از اطلاعات مربوط به سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۲ برای برآورد پارامترهای مدل جونز و از اطلاعات مربوط به سال‌های ۸۱ و ۸۲ برای آزمون مدل تعدیل شده‌ی جونز (به عنوان دوره‌ی برآورد یا آزمون) استفاده شد. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که در شرکت‌های مورد مطالعه در این تحقیق مدیریت سود اعمال شده است. در واقع مدیریت این شرکت‌ها،

به‌هنگام کاهش وجوه نقد حاصل از عملیات که بیانگر عملکرد ضعیف واحد تجاری بوده است، به منظور جبران این موضوع اقدام به افزایش سود از طریق افزایش ارقام تعهدی اختیاری کرده است و در نتیجه تغییرات ارقام تعهدی اختیاری را به‌طور معکوس در رابطه با تغییرات وجوه نقد حاصل از عملیات ارزیابی کرده‌اند. پورحیدری و افلاطونی (۱۳۸۵)، در مقاله خود به بررسی انگیزه‌های مدیران شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به‌منظور هموارسازی سود با استفاده از ارقام تعهدی اختیاری پرداختند. با استفاده از مدل جونز ۴۹ شرکت نمونه در این پژوهش را در بازه‌ی زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۳ مورد بررسی قرار دادند، انگیزه‌های مورد بررسی شامل اندازه شرکت، مالیات بر درآمد، نسبت بدهی به کل دارایی‌ها (قراردادهای بدهی)، انحراف در فعالیت‌های عملیاتی و نوسان پذیری سود می‌باشد. نتایج حاکی از آن است که انگیزه‌هایی چون مالیات بر درآمد و انحراف در فعالیت‌های عملیاتی، محرک اصلی برای هموار نمودن سود با استفاده از ارقام تعهدی اختیاری است.

بارتون و سیمکو^۱ (۲۰۰۲) در تحقیقی با عنوان ترانزنامه به عنوان یک محدودیت برای مدیریت سود با استفاده از شواهد و آزمون‌های تجربی نشان دادند که شرکت‌هایی که به عایدات مورد انتظار دست نمی‌یابند تا حدودی به مدیریت سود دست می‌زنند. نتایج تحقیقات آن‌ها مبنی بر این بود که مدیریت سود در دوره‌های بعدی به نوع و مقدار ارقام تعهدی که در دوره‌های قبل مورد استفاده قرار گرفته است وابسته می‌باشد، زیرا اثر ارقام تعهدی به گذشته برمی‌گردد.

مری چای و ساموئل تانگ^۲ (۲۰۰۲) در تحقیقی با عنوان تاثیر زمان اعلان سود بر مدیریت سود به بررسی این فرضیه می‌پردازند که شرکت‌هایی که دیرتر از زمان مورد انتظار سود خود را گزارش می‌کنند در مقایسه با سایر شرکت‌ها ارقام تعهدی اختیاری را بطور غیرطبیعی منفی نشان می‌دهند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد مدیران شرکت‌ها با تأخیر در گزارش اطلاعات حسابداری، ارقام تعهدی کاهنده سود را برای دستکاری سود بکار می‌برند و از این طریق مزایا و پاداش‌های آتی را

1- Barton and Simko

2- Mary L. Chai & Samuel Tung

افزایش می‌دهند. تأخیر دراز مدت در گزارش سود، ارزش اقلام تعهدی اختیاری استفاده شده برای تأخیر در گزارش را افزایش می‌دهد تا سود بالقوه تعهدی برای دوره‌های آتی ذخیره شود. یافته‌های این تحقیق نتایج بهبود استانداردهای حسابداری را در طول زمان نشان می‌دهند. زمانی که درآمدها اعلان می‌شود مهم است چون بهبود آن طی زمان می‌تواند مشکلات ناشی از عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش دهد و همچنین موجب افزایش کارایی بازار شود. شواهد نشان می‌دهد حسابداران و خط‌مشی‌گذاران باید چارچوبی داشته باشند که موجب افزایش قابلیت اطمینان گزارش‌های حسابداری شود.

دچاو^۱ و دیگران (۲۰۰۳)، به بررسی دلایل مدیریت سود پرداختند. نتایج تحقیق گواه این بود که شرکت‌های کم سود بیش از سایر شرکت‌ها به دستکاری سود در جهت افزایشی اقدام نموده‌اند. آن‌ها افزایش قیمت اقلام تعهدی نسبت به دوره‌ی قبل را به‌عنوان نمادگری از مدیریت سود مورد بررسی قرار دادند و مشاهده کردند که در شرکت‌های کم سود، مدیریت برای پرهیز از مواجه شدن با زیان اقدام به دستکاری اقلام تعهدی و در نتیجه افزایش سود نموده است و همچنین نتیجه گرفتند که شرکت‌های با سود خالص بالا از طریق کمک گرفتن از برخی ذخایر حسابداری اقدام به دستکاری سود در جهت کاهش سود نموده‌اند. تورم ذخایر حسابداری نسبت به دوره‌ی قبل می‌تواند به‌دلیل مدیریت سود در طی دوره‌ی جاری صورت گرفته باشد. اثر افزایش اقلام تعهدی دوره‌ی جاری بر سود دوره بعد معکوس خواهد بود.

روش تحقیق

روش تحقیق از نوع استقرایی است. در این تحقیق روش مقطعی از نظر ویژگی زمانی داده‌های جمع‌آوری شده و روش همبستگی یا رابطه‌کاوی برای تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده به‌کارگرفته شده است. از نظر نوع آزمون فرضیه‌ها این تحقیق از نوع همبستگی - مقطعی می‌باشد. در این تحقیق از طریق استفاده از روش‌های آماری رگرسیون به آزمون فرضیه‌های تحقیق پرداختیم. به‌منظور

جمع آوری داده‌های مورد نیاز از فایل‌های فشرده که توسط سازمان بورس اوراق بهادار منتشر شده است و نیز نرم‌افزار تدبیرپرداز استفاده شد و برای آزمون‌های آماری مورد نیاز از نرم‌افزار SPSS استفاده گردید.

برای بررسی مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار از مدل تعدیل شده‌ی جونز استفاده شده است. در این مدل مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی سرمایه در گردش اندازه‌گیری می‌شود. در مدل تعدیل شده‌ی جونز اقلام تعهدی غیراختیاری در طی دوره‌ی رخداد (یعنی در طی دوره‌هایی که فرض شده مدیریت سود در آن‌ها رخ داده است) از طریق برازش رابطه رگرسیون با استفاده از داده‌های مقطعی برای هر یک از شرکت‌های عضو نمونه به این شکل برآورده می‌شود:

$$NDA_{it} = a_{1it} \left(\frac{1}{A_{it-1}} \right) + a_{2it} \left(\frac{\Delta REV_{it}}{A_{it-1}} - \frac{\Delta REC_{it}}{A_{it-1}} \right) + \alpha_{3it} \left(\frac{PPE_{it}}{A_{it-1}} \right)$$

که در آن:

- NDA_{it}^1 = اقلام تعهدی غیر اختیاری شرکت i در سال τ
- ΔREV_{it}^2 = تغییرات درآمد شرکت i در سال τ (خالص درآمد در سال τ منهای درآمد سال $\tau-1$ که به مقیاس مجموع دارایی‌ها در سال $\tau-1$ بیان می‌شود).
- ΔREC_{it}^3 = تغییرات در خالص دریافتی شرکت i در سال τ (خالص حسابهای دریافتی در سال τ منهای خالص حسابهای دریافتی سال $\tau-1$ که به مقیاس مجموع دارایی‌ها در سال $\tau-1$ بیان می‌شود).
- PPE_{it}^4 = ارزش ناخالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات شرکت i در سال τ که به مقیاس مجموع دارایی‌ها در سال $\tau-1$ بیان می‌شود.
- A_{it-1}^5 = جمع دارایی‌ها در پایان سال $\tau-1$
- τ = سال پیش بینی

1- Non-Discretionary Accruals
2- Revenue
3- Receivables
4- Property, Plant, Equipment
5- Assets

پارامترهای خاص هر شرکت برآورد پارامترهای خاص هر شرکت $a_{1it}, a_{2it}, a_{3it}$ با استفاده از مدل رگرسیونی زیر و بر مبنای مشاهدات دوره برآورد از اقلام تعهدی صورت می‌گیرد.

$$TA_{it} - NDA_{it} = \text{اقلام تعهدی اختیاری شرکت } i \text{ در سال } t$$

که در آن TA_{it} نمایانگر کل اقلام تعهدی به مقیاس کل دارایی‌های دوره قبل است.

$$\text{اگر } x_1 = \left(\frac{\Delta REV_{it}}{A_{it-1}} - \frac{\Delta REC_{it}}{A_{it-1}} \right) \text{ و } x_2 = \left(\frac{PPE_{it}}{A_{it-1}} \right) \text{ آنگاه برای برآورد}$$

اقلام تعهدی غیرعادی (اختیاری) به شرح زیر عمل می‌شود:

۱- محاسبه کل اقلام تعهدی با استفاده از رابطه زیر:

$$TA_t = NI - CFO$$

که در آن:

$$TA_t = \text{کل اقلام تعهدی به مقیاس کل دارایی‌های دوره قبل}$$

$$NI = \text{عایدات (سود خالص قبل کسر اقلام غیرمترقبه و آثار سنواتی تغییر در اصول}$$

و روش‌های حسابداری)

$$CFO = \text{جریان‌های نقدی حاصل از عملیات}$$

۱) برآورد سطح اقلام تعهدی عادی (غیراختیاری)

۲-۱) براساس مدل تعدیل شده جونز معادله برآورد برای هر شرکت تعیین می‌شود

$$.(a_{1it}, a_{2it}, a_{3it})$$

۲-۲) برای سال مورد نظر مقادیر x_1 و x_2 در معادله قرار داده می‌شود و سطح

اقلام تعهدی عادی تعیین می‌شود.

۲) اقلام تعهدی غیرعادی از طریق کسر اقلام تعهدی عادی از کل اقلام تعهدی

محاسبه می‌شود.

فرضیه‌ها

فرضیه اول: شرکت‌هایی که سود خود را با تأخیر اعلان می‌کنند، داری اخبار بد

1- Total Accruals

2- Net Income

3- Cash Flow related to Operations

مربوط به سود عملیاتی می‌باشند. فرضیه دوم: شرکت‌هایی که با تأخیر اعلان سود داشته‌اند، به مدیریت سود در جهت افزایش سود اقدام می‌نمایند.

متغیرها

الف) متغیر مستقل

تأخیر در گزارش سود که زمان طی شده از پایان سال مالی تا تاریخ تشکیل مجمع عمومی می‌باشد.

در این تحقیق تاریخ تشکیل مجمع از نرم افزار ره‌آورد نوین استخراج گردید. ۹۳ شرکت عضو نمونه می‌باشند؛ که برای تعیین شرکت‌هایی که گزارش‌های خود را با تأخیر اعلان می‌کنند، از توزیع پراکندگی زمان سپری شده از پایان سال مالی تا تاریخ تشکیل مجمع عمومی عادی استفاده شد، اگر شرکت در چارک سوم قرار گرفت به عنوان شرکتی که گزارش خود را با تأخیر اعلان می‌کنند در نظر گرفته شد و اگر شرکت در چارک اول بود به عنوان شرکتی که گزارش خود را به موقع اعلان می‌کند تعیین گردید.

ب) متغیرهای وابسته

یکی از متغیرهای وابسته اخبار بد مرتبط با سود می‌باشد که از طریق مقایسه سود دوره مالی قبل با سود دوره مالی که سود با تأخیر اعلان شده است ارائه می‌شود. متغیر وابسته دیگر مدیریت سود می‌باشد. یکی از شاخص‌های مهم برای مشخص نمودن میزان دستکاری سود، اقلام تعهدی اختیاری^۱ (DA_{it}) می‌باشد. اقلام تعهدی اختیاری (غیرعادی) با استفاده از مدل تعدیل شده جونز^۲ (دی چاو و دیگران، ۱۹۹۵) به شرح زیر اندازه‌گیری می‌شوند:

$$\text{اقلام تعهدی عادی} - \text{کل اقلام تعهدی} = \text{اقلام تعهدی غیرعادی}$$

در رابطه‌ی بالا، اقلام تعهدی عادی براساس مدل تعدیل شده جونز اندازه‌گیری

1- Discretionary Accruals
2- The Modified Jones Model

می‌شود. در این تحقیق رویکرد مبتنی بر صورت گردش وجوه نقد برای محاسبه اقلام تعهدی استفاده شده است. در این رویکرد اقلام تعهدی هریک از مشاهدات شرکت - سال به روش زیر محاسبه می‌شود:

خالص جریان‌های نقدی عملیات - عایدات = اقلام تعهدی

جامعه آماری و نمونه

جامعه آماری تحقیق، شامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار می‌باشد. با اعمال شرایط زیر شرکت‌های مورد بررسی انتخاب گردید:

۱. شرکت از ابتدای سال مالی ۱۳۷۸ در بورس اوراق بهادار مورد پذیرش قرار گرفته باشد.
۲. سال مالی شرکت منتهی به پایان اسفند ماه هر سال باشد.
۳. شرکت طی سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۶ تغییر سال مالی نداده باشد.
۴. شرکت، جزء شرکت‌های واسطه‌گری مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری و مالی) نباشد. با توجه به مجموعه شرایط فوق تعداد ۹۳ شرکت در دوره زمانی ۱۳۷۹ الی ۱۳۸۶ این شرایط را دارا بوده‌اند. بنابراین نمونه آماری این تحقیق ۸ صنعت متشکل از ۹۳ شرکت می‌باشد.

تشریح فرآیند آزمون فرضیه‌ها

فرضیه اول: شرکت‌هایی که سود خود را با تأخیر اعلان می‌کنند، دارای اخبار بد مربوط به سود می‌باشند.

برای بررسی این فرضیه نیاز به برازش خط رگرسیون سود خالص و مدت زمان تأخیر اعلان سود اندازه‌گیری شده می‌باشد که در این مدل رگرسیونی به بررسی اثر مستقیم تغییرات سود بعد از کسر مالیات (سود خالص) بر مدت تأخیر اعلان سود می‌باشد. برای بررسی این فرضیه می‌توان بر اساس میانگین زمان تأخیر اعلان سود شرکت‌ها و میانگین تغییرات سود شرکت‌ها در سالهای مختلف تصمیم‌گیری نمود. لذا باید مدلی به صورت زیر بررسی شود.

$$\text{Late}_i = \theta_0 + \theta_1 \text{Earn}_i + \varepsilon$$

که در این مدل داریم:

Late_i : میانگین تأخیر اعلان سود شرکت i ام در سالهای ۷۹ تا ۸۶

Earn_i : میانگین تغییرات سود خالص شرکت i ام در سالهای ۷۹ تا ۸۶

ε : باقیمانده‌ها رگرسیون برای شرکت i ام

ضمناً علاوه بر مدل فوق این بررسی برای هر سال نیز انجام خواهد گرفت.

در مجموع اگر مدل فوق مدلی معنی دار با تغییرات سود خالص (EARN) باشد می‌توان پذیرفت که سود خالص بر تأخیر اعلان سود مؤثر است پس به عبارتی فرضیه زیر بررسی می‌شود:

$$\begin{cases} H_0: \theta_1 = 0 \\ H_1: \theta_1 < 0 \end{cases}$$

که برای بررسی فرضیه بعد از مشخص کردن بهترین خط رگرسیون، بر اساس آزمون معنی داری خط رگرسیون و مثبت یا منفی بودن ضریب رگرسیون مربوط به تغییرات سود خالص اظهار نظر می‌نماییم و اگر منفی بودن ضریب مرتبط با سود تأیید شود، فرض صفر رد می‌شود و فرضیه جانشین را می‌توان پذیرفت.

جهت برازش این معادله رگرسیون با توجه به عدم برقراری شرایط زیربنایی رگرسیون (باقیمانده‌ها نرمال و ناهمبسته و دارای واریانس ثابت) در صورت استفاده از مقادیر متوسط تأخیر اعلان سود بهتر است از مقادیر تبدیل یافته متوسط زمان تأخیر اعلان سود به جای متغیر وابسته استفاده شود و از تبدیل $(\sqrt{\text{Late}_i})$ برای متوسط زمان تأخیر اعلان سود استفاده می‌نماییم تا رگرسیون‌ها دارای باقیمانده نرمال شوند و باقیمانده‌ها در رگرسیون ناهمبسته و دارای واریانس ثابت باشند؛ بعد از حذف نقاط پرت داریم:

جدول (۱) رگرسیون بین تغییرات سود خالص و تأخیر اعلان سود

آماره های رگرسیون					
۰.۳۹۶					ضریب همبستگی
۰.۱۵۷					ضریب تعیین
۰.۱۴۷					ضریب تعیین تعدیل شده
آنالیز واریانس					
P_value	F_value	میانگین مربعات	مجموع مربعات	درجه آزادی	
۰.۰۰۰	۱۶.۱۸۰	۰.۴۰۸	۰.۴۰۸	۱	مدل
		۰.۰۲۵	۲.۱۹۳	۸۷	خطا
			۲.۶۰۱	۷۷	کل
برآورد پارامترها					
P_value	T_value	انحراف استاندارد	برآورد		
۰.۰۰۰	۲۴۲.۱۹۷	۰.۰۱۹	۴.۵۵۳	Intercept	
۰.۰۰۰	-۴.۰۲۲	۰.۴۴۶	-۱.۷۹۵	EARN	

بر اساس جدول آنالیز واریانس مدل از نظر آماری معنی دار می باشد و می توان پذیرفت که بر اساس این مدل حدود ۱۶ درصد مقادیر متوسط تأخیر اعلان سود در شرکت ها بوسیله تغییرات سود خالص تبیین می شود. همچنین برآوردی به شرح زیر است:

$$\text{Late}_i = 4.553 - 1.795\text{Earn}_i + \varepsilon$$

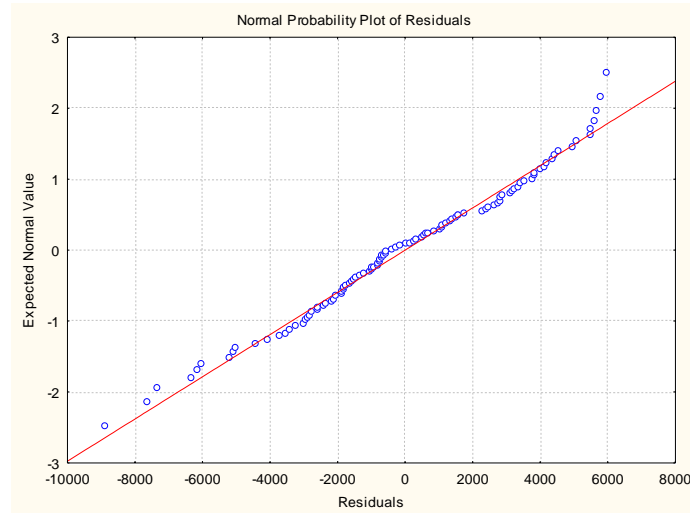
بر اساس مدل فوق می توان گفت که شرکت ها با متوسط تغییرات سود خالص بیشتر، تأخیر کمتری در اعلان سود داشته اند و بر اساس مدل فوق و مقدار احتمال (P-value=0.000) و مقایسه آن با سطح معنی داری ($\alpha=0.05$) و همچنین با توجه به منفی بودن ضریب رگرسیون مرتبط با سود خالص در معادله رگرسیون می توان پذیرفت که فرض صفر یا این فرض که "شرکت هایی که سود خود را با تأخیر اعلان می کنند، دارای اخبار بد مرتبط با سود نمی باشند." در سطح ۵ درصد رد می شود و با اطمینان ۹۵ درصد می توان گفت:

شرکت‌هایی که سود خود را با تأخیر اعلان می‌کنند، دارای اخبار بد مرتبط با سود می‌باشند.

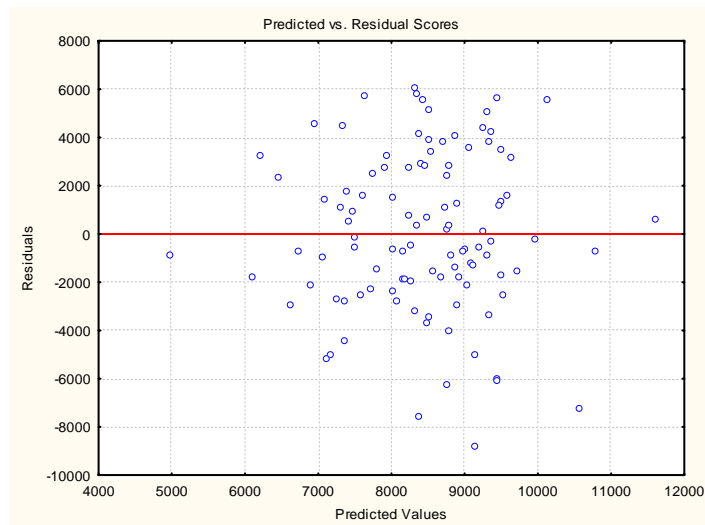
بررسی باقیمانده‌ها

نمودارهای چندک علیه چندک (صفحه بعد) نرمال بودن نسبی باقیمانده‌ها را تایید می‌کنند و ثابت بودن توسط واریانس برآورد علیه باقیمانده ثابت می‌شود و آماره دوربین واتسن ($D-V=1.873$) نیز عدم همبستگی باقیمانده را بیان می‌کند.

نمودار (۱) نمودار چندک علیه چندک جهت بررسی نرمال بودن باقیمانده‌ها در رگرسیون



نمودار (۲) نمودار برآورد علیه باقیمانده جهت بررسی ثابت بودن واریانس‌ها



جدول (۲) رگرسیون بین تغییرات سود خالص و تاخیر اعلان سود برای سال‌های ۷۹ تا ۸۶

ضریب تعیین	P_value	F_value	P_value	برآورد		
۰.۰۰۶	۰.۴۴۸	۰.۵۸۱	۰.۰۰۰	۴.۵۸۵	Intercept	سال ۷۹
			۰.۴۴۸	-۰.۰۷۱	EARN	
$Late_i + 4.585 + 0.071EARN_i + \varepsilon$						
۰.۰۳۴	۰.۰۷۷	۳.۱۸۸	۰.۰۰۰	۴.۵۷۹	Intercept	سال ۸۰
			۰.۰۷۷	-۰.۵۲۵	EARN	
$Late_i + 4.579 + 0.525EARN_i + \varepsilon$						
۰.۰۰۰	۰.۸۷۰	۰.۰۲۷	۰.۰۰۰	۴.۵۰۴	Intercept	سال ۸۱
			۰.۸۷۰	-۰.۰۱۴	EARN	
$Late_i + 4.504 + 0.014EARN_i + \varepsilon$						
۰.۰۰۱	۰.۸۰۲	۰.۰۶۳	۰.۰۰۰	۴.۴۴۳	Intercept	سال ۸۲
			۰.۸۰۲	۰.۰۳۸	EARN	
$Late_i + 4.443 + 0.038EARN_i + \varepsilon$						
۰.۰۹۰	۰.۰۰۴	۸.۹۵۴	۰.۰۰۰	۴.۴۲۸	Intercept	سال ۸۳
			۰.۰۰۴	-۰.۸۱۹	EARN	
$Late_i + 4.428 + 0.819EARN_i + \varepsilon$						
۰.۰۲۳	۰.۱۴۳	۲.۱۸۲	۰.۰۰۰	۴.۴۵۷	Intercept	سال ۸۴
			۰.۱۴۳	-۰.۴۶۸	EARN	
$Late_i + 4.457 + 0.468EARN_i + \varepsilon$						
۰.۰۳۲	۰.۰۸۴	۳.۰۵۳	۰.۰۰۰	۴.۴۷۸	Intercept	سال ۸۵
			۰.۰۸۴	-۰.۵۷۴	EARN	
$Late_i + 4.478 + 0.574EARN_i + \varepsilon$						
۰.۰۲۰	۰.۱۷۳	۱.۸۸۹	۰.۰۰۰	۴.۳۷۹	Intercept	سال ۸۶
			۰.۱۷۳	-۰.۵۷۰	EARN	
$Late_i + 4.379 + 0.570EARN_i + \varepsilon$						

ضریب ارقام تعهدی اختیاری در همه سال‌ها به جز سال ۸۲ منفی است؛ اما فقط در سال ۸۳ از نظر آماری معنی دار می‌باشد. فرضیه دوم: شرکت‌هایی که با تأخیر اعلان سود داشته‌اند، به مدیریت سود در جهت افزایش سود اقدام می‌نمایند.

برای بررسی این فرضیه نیاز به برازش خط رگرسیون ارقام تعهدی اختیاری و مدت زمان تأخیر اعلان سود اندازه‌گیری شده می‌باشد. در این مدل رگرسیونی به بررسی اثر مستقیم ارقام تعهدی اختیاری بر مدت تأخیر اعلان سود می‌باشد. در مجموع می‌توان برای بررسی این فرضیه براساس میانگین زمان تأخیر در اعلان سود و میانگین ارقام تعهدی اختیاری شرکت‌ها در سال‌های مختلف تصمیم‌گیری نمود.

لذا باید مدلی به صورت زیر بررسی شود.

$$\text{Late}_i = \theta_0 + \theta_1 \text{DA}_i + \varepsilon$$

که در این مدل داریم:

Late_i : میانگین تأخیر اعلان شرکت i م در سالهای ۷۹ تا ۸۶

DA_i : میانگین ارقام تعهدی اختیاری شرکت i م در سالهای ۷۹ تا ۸۶

ε : باقیمانده‌ها رگرسیون برای شرکت i م

ضمناً علاوه بر مدل فوق این بررسی برای هر سال نیز انجام خواهد گرفت.

در مجموع اگر مدل فوق مدلی معنی دار با ارقام تعهدی اختیاری (DA) باشد می‌توان پذیرفت که ارقام تعهدی اختیاری بر تأخیر اعلان مؤثر است پس به عبارتی فرضیه زیر بررسی می‌شود:

$$\begin{cases} H_0: & \theta_1 = 0 \\ H_1: & \theta_1 < 0 \end{cases}$$

که برای بررسی فرضیه بعد از مشخص کردن بهترین خط رگرسیون، بر اساس آزمون معنی‌داری خط رگرسیون و مثبت یا منفی بودن ضریب رگرسیون مربوط به ارقام تعهدی اختیاری اظهار نظر می‌نماییم و اگر منفی بودن ضریب مرتبط با ارقام تعهدی اختیاری تأیید شود، فرض صفر رد می‌شود و فرضیه جانشین را می‌توان

پذیرفت.

جهت برآزش این معادله رگرسیون با توجه به عدم برقراری شرایط زیربنایی رگرسیون (باقیمانده‌ها نرمال و ناهمبسته و دارای واریانس ثابت) در صورت استفاده از مقادیر متوسط تأخیر اعلان سود بهتر است از مقادیر تبدیل یافته متوسط تأخیر اعلان سود استفاده شود و از تبدیل $(\sqrt{\text{Late}_i})$ برای متوسط زمان تأخیر اعلان سود استفاده می‌نماییم تا رگرسیون‌ها دارای باقیمانده نرمال شوند و باقیمانده‌ها در رگرسیون ناهمبسته و دارای واریانس ثابت باشند. بعد از حذف نقاط پرت داریم:

جدول (۳) رگرسیون بین اقلام تعهدی اختیاری و تأخیر اعلان سود

آماره‌های رگرسیون					
		ضریب همبستگی			
		۰.۲۳۰			
		ضریب تعیین			
		۰.۰۵۳			
		ضریب تعیین تعدیل شده			
		۰.۰۴۲			
آنالیز واریانس					
P_value	F_value	میانگین مربعات	مجموع مربعات	درجه آزادی	
۰.۰۳۰	۴.۸۴۷	۰.۱۳۱	۰.۱۳۱	۱	مدل
		۰.۰۲۷	۲.۳۴۳	۸۷	خطا
			۲.۴۷۴	۸۸	کل
برآورد پارامترها					
P_value	T_value	انحراف استاندارد	برآورد		
۰.۰۰۰	۲۵۶.۵۲۵	۰.۰۱۸	۴.۵۲۹	Intercept	
۰.۰۳۰	-۲.۲۰۲	۰.۳۳۲	-۰.۷۳۱	DA	

بر اساس جدول آنالیز واریانس مدل از نظر آماری معنی دار نمی‌باشد و بر اساس این مدل تنها حدود ۵ درصد مقادیر متوسط تأخیر اعلان سود در شرکت‌ها بوسیله اقلام تعهدی اختیاری تبیین می‌شود و برای نمونه مورد بررسی مدلی به صورت زیر

ایجاد می گردد

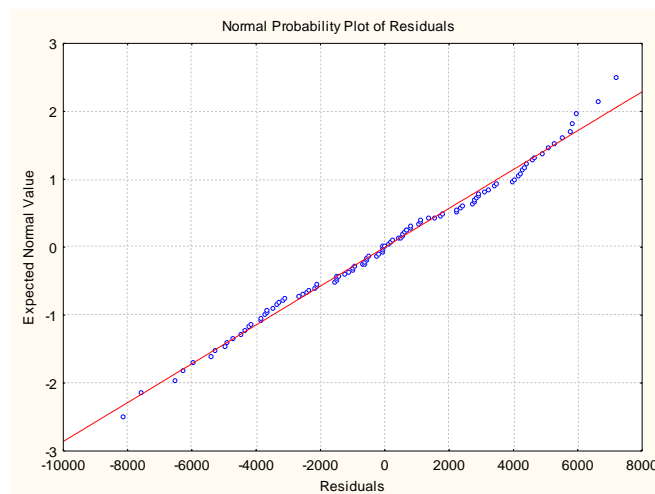
$$Late_i = 4 - 529 - 0.731DA_i + \varepsilon$$

بر اساس مدل فوق می توان گفت که شرکت‌ها با متوسط ارقام تعهدی اختیاری بیشتر، تأخیر کمتری در اعلان گزارش سود داشته‌اند و بر اساس مقدار احتمال ($P\text{-value} = 0.030$) و مقایسه آن با سطح معنی داری ($\alpha = 0.05$) می توان پذیرفت که فرض صفر یا این فرض که "شرکت‌هایی که با تأخیر اعلان سود داشته‌اند، به مدیریت سود در جهت افزایش سود اقدام نمی‌نمایند." در سطح ۵ درصد رد می شود و با اطمینان ۹۵ درصد می توان گفت: شرکت‌هایی که با تأخیر اعلان سود داشته‌اند، به مدیریت سود در جهت افزایش سود اقدام می‌نمایند.

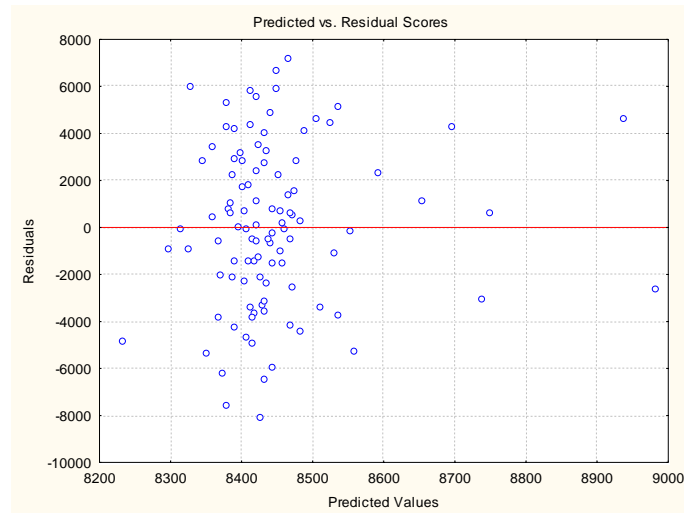
بررسی باقیمانده‌ها

نمودارهای چندک علیه چندک نرمال بودن نسبی باقیمانده‌ها را تایید می کنند و ثابت بودن توسط واریانس برآورد علیه باقیمانده ثابت می‌شود و آماره دورین - واتسن ($D-V = 1.825$) نیز عدم همبستگی باقیمانده را بیان می‌کند.

نمودار (۳) چندک علیه چندک جهت بررسی نرمال بودن باقیمانده‌ها در رگرسیون



نمودار (۴) برآورد علیه باقیمانده جهت بررسی ثابت بودن واریانسها



جدول (۴) رگرسیون بین اقلام تعهدی غیر اختیاری و تأخیر اعلان سود برای سالهای ۷۹ تا ۸۶

ضریب تعیین	P_value	F_value	P_value	برآورد		
۰.۰۰۰	۰.۸۹۹	۰.۰۱۶	۰.۰۰۰	۴.۵۸۴	Intercept	۷۹ سال
			۰.۸۹۹	۰.۰۲۵	DA	
$Late_i = 4.584 - 0.025 DA_i + \varepsilon$						
۰.۰۰۱	۰.۷۹۲	۰.۰۷۰	۰.۰۰۰	۴.۵۶۹	Intercept	۸۰ سال
			۰.۷۹۲	-۰.۰۶۴	DA	
$Late_i = 4.569 - 0.064 DA_i + \varepsilon$						
۰.۰۰۳	۰.۶۳۲	۰.۲۳۰	۰.۰۰۰	۴.۵۰۵	Intercept	۸۱ سال
			۰.۶۳۲	-۰.۰۴۱	DA	
$Late_i = 4.505 - 0.041 DA_i + \varepsilon$						

ادامه جدول (۴)

۰.۰۰۴	۰.۵۳۳	۰.۳۹۱	۰.۰۰۰	۴.۴۴۸	Intercept	سال ۸۲
			۰.۵۳۳	-۰.۲۱۳	DA	
$Late_i = 4.448 - 0.213 DA_i + \varepsilon$						
۰.۰۱۷	۰.۲۱۶	۱.۵۵۲	۰.۰۰۰	۴.۴۲۲	Intercept	سال ۸۳
			۰.۲۱۶	-۰.۳۶۶	DA	
$Late_i = 4.422 - 0.366 DA_i + \varepsilon$						
۰.۰۶۲	۰.۰۱۶	۵.۹۸۰	۰.۰۰۰	۴.۴۴۱	Intercept	سال ۸۴
			۰.۰۱۶	-۰.۵۶۸	DA	
$Late_i = 4.441 - 0.568 DA_i + \varepsilon$						
۰.۰۱۲	۰.۲۹۸	۱.۰۹۴	۰.۰۰۰	۴.۴۶۳	Intercept	سال ۸۵
			۰.۲۹۸	-۰.۲۸۰	DA	
$Late_i = 4.463 - 0.280 DA_i + \varepsilon$						
۰.۰۱۰	۰.۳۳۸	۰.۹۲۷	۰.۰۰۰	۴.۳۷۵	Intercept	سال ۸۶
			۰.۳۳۸	-۰.۳۵۶	DA	
$Late_i = 4.375 - 0.356 DA_i + \varepsilon$						

ضریب ارقام تعهدی اختیاری در همه سال‌ها به جز سال ۷۹ منفی است اما فقط در سال ۸۴ از نظر آماری معنی دار می‌باشد.

نتیجه گیری و پیشنهادها

این مطالعه، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار را در یک دوره ۷ ساله، برای تعیین این موضوع که آیا بین زمان اعلان سود و کاهش سود عملیاتی شرکت و مدیریت سود رابطه‌ای وجود دارد یا نه، مورد بررسی قرار داد. نتایج آزمون‌های آماری فرضیه‌های تحقیق حاکی از تأیید فرضیه‌های تحقیق است. نتیجه

حاصل از آزمون فرضیه اول این است که شرکت‌هایی که سود خود را با تأخیر اعلان می‌کنند، دارای اخبار بد مرتبط با سود می‌باشند. نتیجه حاصل از آزمون فرضیه دوم این است که شرکت‌هایی که با تأخیر اعلان سود داشته‌اند، به مدیریت سود در جهت افزایش سود اقدام می‌نمایند.

از آنجا که با توجه به نتایج تحقیق، بین "تأخیر در اعلان سود" و "وجود اخبار بد مربوط به سود" و "مدیریت سود" رابطه وجود دارد به سرمایه‌گذاران، تحلیل‌گران مالی و سایر ذینفعان پیشنهاد می‌شود به زمان اعلان سود شرکت‌ها توجه بیشتری داشته باشند.

پیشنهادهایی برای انجام تحقیقات آتی

- تأثیر افزایش فاصله‌ی سود پیش‌بینی شده و سود دوره‌ی جاری بر اعمال بیشتر مدیریت سود
- بررسی تأخیر در اعلان سود و کاهش جریان‌های نقدی عملیاتی شرکت

محدودیت‌ها

با توجه به الزام وجود ۱۰ مشاهده برای انجام مدل رگرسیون، و سابقه‌ی نسبتاً کم تهیه‌ی صورت جریان‌های نقدی در کشور و نیز تغییر استانداردهای تهیه صورت جریان‌های نقدی (از سه بخش به پنج بخش) مجبور شدیم قلمرو زمانی را محدود به سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۶ نماییم و به جای روش سری زمانی از روش مقطعی استفاده نمودیم. تحقیقات مشابه خارجی برای برازش مدل‌های رگرسیونی از روش سری زمانی مبتنی بر بازه زمانی طولانی‌تر نسبت به این تحقیق استفاده کرده‌اند. این امر ممکن است بر دقت مدل‌های برازش شده و نیز نتایج نهایی تأثیرگذار باشد.

منابع و مأخذ

۱. بدری، احمد. (۱۳۷۸). بررسی عوامل مؤثر بر هموارسازی سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس، رساله دکترای حسابداری، دانشکده حسابداری و مدیریت دانشگاه تهران.
۲. پورحیدری، امید و عباس افلاطونی. (۱۳۸۵). بررسی انگیزه‌های هموارسازی سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۴.
۳. حاجی‌وند، تقی. (۱۳۸۰). تحقیقی پیرامون انگیزه‌های مدیریت در هموارسازی سود گزارش شده، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
۴. حقیقت، حمید و احسان رایگان (۱۳۸۷). نقش هموارسازی سود بر محتوای اطلاعاتی سودها در خصوص پیش بینی سودهای آتی، مجله بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۵۴.
۵. شهری، مریم. (۱۳۸۷). تأثیر اندازه شرکت و حضور سرمایه‌گذاران نهادی بر مدیریت سود، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور.
۶. عابدی، مهدی. (۱۳۸۶). نقش اقلام تعهدی در پیش‌بینی سود و جریان‌های نقدی دوره آتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیشابور.
۷. مشایخی، بیتا؛ ساسان مهرانی، کاوه مهرانی و غلامرضا کرمی. (۱۳۸۴). نقش اقلام تعهدی اختیاری در مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۲.
۸. مهرآذین، علی‌رضا، (۱۳۸۷). ارزیابی مدل‌های تحلیلی برای کشف مدیریت سود، رساله دکترای، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
۹. نوروش، ایرج؛ سحر سپاسی و محمدرضا نیک‌بخت. (۱۳۸۴). بررسی مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره بیست و دوم، شماره ۲.
10. Barton, J., P.J. Simko (2002). The balance sheet as an earnings management constraint, *Journal of Accounting and Economics*, Vol.43, pp: 301-321.
11. Chai M. L., S. Tung (2002). The Effect of earnings announcement timing on earnings management, *Journal of Business & Finance Accounting*, 12, 2002, PP: 1337-1354.
12. Dechow, P.M., S.A. Richardson, I. Tuna (2003). Why are Earnings kinky? An examination of the management explanation, *Review of Accounting Studies*, 8, pp: 355-384.
13. Dechow, P.M., R.G. Sloan, A.P. Sweeny (1995). Detecting earnings management, *the accounting review*, Num 70, pp: 193-225.
14. Degeorge, F., J. Patel. R. Zeckhauser (1999). Earnings management to

-
- exceed thresholds, *Journal of Business*, 72, PP: 1-33.
15. Fern, R.H., B.Brown, S.W. Dickey (1994). An empirical test of politically- motivated income smoothing in an the oil refining industry, *Journal of Applied Research*, 92, pp: 65-84.
 16. Healy, P.M., J. M Wahlen (1999). A review of earnings management literature and its implications for standard setting, *Accounting Horizons*, 13, pp: 355-365.
 17. Schipper K (1989). Commentary on earnings management, *Accounting Horizons*, Dec, pp: 91-102.
 18. Scott W. R (1997). *Financial Accounting Theory*, Prentice Hall, Scarborough.